

حسن‌نیت آیینی طرفین داوری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)

بی بی فاطمه برومند^۱، مرتضی شهبازی نیا^{۲*}، اصغر عربیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

چکیده

در دنیای کنونی، ارجاع دعاوی به داوری به‌عنوان یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلاف، ضرورتی انکارناپذیر است. با توجه به برخی خلاءها در نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد، تقویت این نهاد به پشتیبانی ابزارهای حقوقی دیگری نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اصل حسن‌نیت است. از آن‌جا که در حال حاضر معیار مشخصی برای رفتار توأم با حسن‌نیت در قوانین داوری کشورمان ارائه نشده است. این مقاله با تدقیق در اصول دادرسی عادلانه، معیارها و عواملی مانند «پاکدستی، خودداری از رفتار متناقض، ارائه به موقع اسناد و پرهیز از کتمان ادله» را به عنوان استانداردهای سنجش رفتار طرفین در مقام تعهد به حسن‌نیت و استمرار آن در طول جریان داوری، معرفی می‌نماید. حسن‌نیت آیینی ناظر به اجرای صحیح اصول حاکم بر آیین داوری است بنابراین داور و طرفین را به سمت اثربخشی داوری سوق می‌دهد. در این نوشتار با بررسی قوانین مرتبط با داوری در حقوق انگلیس و ایران و رویه های قضایی، این استانداردها را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بررسی نموده و به تعهدات طرفین داوری از این حیث و رویکرد نظام حقوقی انگلیس و ایران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پاکدستی، پرهیز از رفتار متناقض، پرهیز از کتمان ادله، حسن نیت آیینی.

۱. مقدمه

با توسعه روابط تجاری، نهاد داوری در سال‌های اخیر به نحو فزاینده‌ای مورد اقبال قرار گرفته و دو ویژگی خصوصی و توافقی بودن، داوری را به عنوان رایج‌ترین بدیل روش رسیدگی قضایی قرار داده است. با وجود این نباید به روشی خارج از قاعده و خودفرمان تبدیل شود. با این‌که اصل تسلط طرفین^۱ به عنوان یک امتیاز فرایند داوری محسوب می‌شود ولی نه تنها هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند عملی مغایر با اهداف داوری و اصول دادرسی انجام دهند، بلکه اقتضا دارد، نهایت تلاش خود را برای همکاری در راستای اثربخشی داوری اعمال کنند. برای تقویت و توسعه داوری علاوه بر مقررات قانونی، استفاده از اصول کلی حقوقی ضرورت دارد.

حسن نیت یکی از اصول مسلم حقوقی است که علاوه بر نقش تفسیری و تکمیلی قرارداد، دارای کارکرد حمایتی نیز می‌باشد و از طرف ضعیف قرارداد، حمایت می‌کند لکن به عنوان یک اصل کلی در قوانین داوری ایران و انگلیس تصریح نشده است. از اول اکتبر ۲۰۱۴ قواعد دیوان داوری بین‌المللی لندن^۲ (LCIA)^۳ وظیفه حسن نیت را نه تنها برای طرفین داوری بلکه برای داوران هم لازم الاجرا دانست.^۴ تا قبل از تصویب قواعد LCIA، اگر یک طرف اختلاف به دنبال اجرای شرط داوری با استناد به اصل حسن نیت بود، امری بعید به نظر می‌رسید و با مقاومت داوران و دادگاه مواجه می‌شد ولی در حال حاضر حسن نیت به عنوان یک اصل حقوقی، در داوری انگلستان

۱ . Party autonomy.

۲. رجوع شود به انصاری معین: ۵۴، «دادگاه داوری بین‌المللی لندن شاید قدیمی ترین سازمان داوری جهانی به وسیله دادگاه لندن ایجاد گردیده و از سال ۱۸۹۱ مشغول به کار گشته و قواعد داوری آن در سال ۱۹۹۸ تجدیدنظر شده است. لندن چون مهم‌ترین مرکز مالی، پولی، بانکی، بیمه دریایی و بورس مواد خام جهان است لذا دعاوی مهمی در این داوری تخصصی مورد حل و فصل قرار می‌گیرد».

۳ . London Court of International Arbitration.

۴ . Article 32(2).



پایگاه خود را یافته و به عنوان یک ابزار قدرتمند، داور و طرف‌های داوری را موظف به رعایت آن نموده است. هرچند این قواعد از جهت این‌که معیار مشخصی جهت احراز پایبندی طرف‌های داوری به حسن نیت ارائه نداده، قابل نقد است ولی توانسته چالش‌های ناشی از خلاء حسن نیت در قانون داوری انگلیس را مرتفع نماید.

در حقوق ایران در بسیاری از موارد، عدم پایبندی به این اصل حقوقی مهم، منجر به ابطال رأی داوری شده و باعث گردیده، داوری کارآمدی و مطلوبیت لازم را نداشته و خود به یکی از عوامل اطاله دادرسی و تراکم پرونده در دادگستری تبدیل شود. در حالی‌که به دلیل عدم شناسایی حسن نیت در قوانین داوری ایران، استناد به این اصل حقوقی قابل پذیرش نمی‌باشد. با تدقیق در مواد مختلف و رویه‌ی قضایی معیارهایی را می‌توان یافت که رعایت آن‌ها باعث سنجش رفتار طرفین در مقام تعهد به حسن نیت می‌شود. به همین منظور «حسن نیت آیینی» شکل گرفته و در قالب اصول حاکم بر داوری در آیین رسیدگی متبلور شده است. حسن نیت آیینی از تأسیس‌های نوین در زمینه‌ی داوری است و کمتر نوشتاری در مورد آن یافت می‌شود. این جستار به دنبال پاسخ این پرسش‌ها است که چه معیارهایی جهت احراز پایبندی طرفین داوری به حسن نیت آیینی وجود دارد؟ تعهدات طرفین داوری در پرتو حسن نیت آیینی کدامند و ضمانت اجرای نقض این تعهدات چیست؟ در مقام پاسخگویی به این پرسش‌ها ضمن ارائه‌ی مفهوم حسن نیت آیینی، با ملاحظه قانون داوری ۱۹۹۶ انگلیس، قواعد دیوان بین‌المللی لندن (LCIA) و سایر قوانین مربوط با دادرسی در حقوق انگلستان و قانون آیین دادرسی مدنی (ق.آ.د.م) و قانون داوری تجاری بین‌المللی (ق.د.ت.ب) ایران، به مطالعه‌ی تطبیقی و بررسی رویه‌ی قضایی پرداخته است.

۲. مفهوم حسن‌نیت آیینی

با وجود فراز و نشیب‌هایی که در نظام‌های حقوقی مختلف در پذیرش حسن‌نیت به عنوان یک اصل کلی حقوقی وجود داشت ولی اکثر کشورها به تجربه دریافته‌اند که روابط حقوقی مبتنی بر اصل حسن‌نیت باعث تسهیل و رونق معاملات می‌شود. با این‌که در حال حاضر حسن‌نیت در بیشتر کشورها پذیرفته شده ولی تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. به رغم این که حسن‌نیت یک مفهوم بدیهی است که هر شخص بدون داشتن تعریف واضح، خود را مکلف به رعایت آن می‌داند لکن مفهومی چند وجهی است که بسته به نوع نظام حقوقی، نوع قرارداد و جایگاهی که در قرارداد دارد، دارای مفهومی متفاوت است. دیدگاه‌های متفاوت منجر به ارائه تعاریف مختلف از حسن‌نیت گردیده است. بعضی آن‌را مؤلفه‌ای ذهنی، کیفی و مبهم دانسته که باعث صعوبت در تعریف شده است. (Tetley, 2004, p 4). فرهنگ لغت بلک حسن‌نیت را مفهومی «ایجابی و سلبی» (Black, 1988, p 693) و برخی دیگر آن‌را با «معیار ذهنی و عینی» (Miraco, 2008, p 2). تعریف نموده‌اند که می‌توان گفت این برداشت‌ها ناظر به حسن‌نیت از جنبه ماهوی است.

در این نوشتار وجه دیگری از ضرورت تعهد به حسن‌نیت معرفی می‌شود که ناظر به امور شکلی می‌باشد و حسن‌نیت آیینی نام دارد که از جهاتی با حسن‌نیت ماهوی متفاوت است. برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «مفهوم حسن‌نیت آیینی بر پایه شروط ضمنی اساسی ذیل ساخته شده است:

الف) انجام عمل معقول، صادقانه و منصفانه.
ب) انجام همه اموری که برای همکاری جهت رسیدن به هدف قراردادی لازم است.
ج) عدم ایجاد هرگونه مانع، محدودیت، مقید نمودن یا خودداری یک طرف از اجرای قرارداد». (Reilly, 2018, p1).

در واقع حسن‌نیت ماهوی به عنوان یک عامل مکمل بر انعقاد صحیح قرارداد و اجرای تعهدات مندرج در قرارداد نظارت دارد. درحالی‌که با عدم رعایت حسن‌نیت ماهوی و



نقض تعهدات قراردادی، تضاد منافع به‌وجود می‌آید و فرایند رسیدگی داوری تازه آغاز می‌شود. بنابراین طرفین داوری برای نحوه اجرای جریان رسیدگی داوری، تا آخرین مرحله یعنی اجرای رأی داور، به ابزارهای حمایتی و نظارتی نیاز دارند. لذا پایبندی به «حسن‌نیت آیینی» در کنار حسن‌نیت ماهوی ضرورت دارد.

درحالی‌که حسن‌نیت ماهوی توسط قانون‌گذار به‌عنوان یک تکلیف برای اطراف داوری مشخص می‌شود، حسن‌نیت آیینی به‌عنوان یک عامل حمایتی بر تکالیف و تعهدات مندرج در قوانین، نظارت می‌نماید. در یک موافقت‌نامه معتبر داوری، هیچ یک از طرفین حق ندارند بدون توجیه متعارف و معقول، در راستای بی‌اثر نمودن اهداف داوری عمل نمایند. بر همین اساس ضرورت تعهد به حسن‌نیت آیینی، احساس می‌شود. مفهوم حسن‌نیت آیینی در داوری عبارت است: از معیارها و رفتارهایی که ناظر به اجرای صحیح اصول حاکم بر داوری بوده و طرفین را ملزم می‌کند به آن‌ها پایبند باشند. این تکالیف بخشی از اصول دادرسی عادلانه را تشکیل می‌دهد که از طریق آیین رسیدگی حاکم بر داوری اعمال می‌شود.

طرفین داوری باید هر عملی که برای کارآمدی، عدالت، سرعت عمل در داوری و اجرای رأی داور، ضرورت دارد را با حسن‌نیت انجام دهند. (Duarte G, 2015, p. 514). بنابراین رعایت حسن‌نیت آیینی در جریان داوری، تضمین‌کننده‌ی صحت روند داوری عادلانه و جلوگیری از حيله و تقلب طرفین و ابطال رأی داور است.

۳. تعهدات طرفین در پرتو حسن‌نیت آیینی

گرچه حقوق‌دانان به صورت مبهم از عبارت «انجام هر عملی در راستای کارآمدی داوری» نام برده‌اند، ولی در جریان داوری همواره با جلوه‌هایی از حسن‌نیت روبرو هستیم که پایبندی طرفین داوری به آن‌ها تضمین‌کننده دستیابی به داوری عادلانه است. تعهد به پاکدستی، تعهد به همکاری و مشارکت در جریان داوری همچنین پرهیز

از هرگونه رفتار متناقض از جمله تعهداتی هستند که طرفین دآوری باید برای اثبات پایبندی خود به حسن‌نیت آیینی انجام دهند.

۳-۱. تعهد به پاکدستی

نظریه پاکدستی^۱ که دارای سابقه طولانی در حقوق بین‌الملل است، جهت برقراری توازن و عدالت، مانع از رفتار متقلبانه طرف مقصر می‌شود. طبق این نظریه «شخص یا طرفی که با سوءنیت یا متقلبانه در رابطه با اختلاف، اقدام نموده، نمی‌تواند از سیستم دادگاه برای حقی که از همان شرایط ناشی شده است استفاده نماید».^۲ در مواردی، ممکن است یکی از طرفین دآوری با بروز اختلاف و رویارویی با مسائل پیش بینی نشده، با سوء رفتار و یا با توسل به مدارک جعلی، ساختار دآوری را به نفع خود تغییر دهد. این امر در حوزه دآوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی رواج بیشتری دارد. در دآوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی چنانچه نسبت به صلاحیت کشور میزبان، ایراد شود، دیوان دآوری به مسائلی از قبیل آثار نقض حسن‌نیت و سوء استفاده از حق توجه دارد. این موضوع باعث به وجود آمدن نظریه پاکدستی، در موازین دآوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌شود. (سیفی و جوادی، ۱۳۹۵، ص ۸۸). به نظر می‌رسد، می‌توان از نظریه پاکدستی به عنوان یک دفاع مثبت و قطعی^۳ در کلیه دآوری‌ها استفاده کرد.

«هنگامی که یک طرف، رفتاری توأم با بی‌اخلاقی جدی یا از روی عمد، انجام دهد، ضمانت اجرایی مانند محرومیت از برخی حقوق مانند حق دادخواهی، عادلانه است».^۴ (Ellis, 2018, p. 2). نظریه پاکدستی با ابتناء بر اصل انصاف، اقتضا می‌نماید که شخص با حسن‌نیت و دست‌ان پاک وارد دادخواهی شود. برای تشخیص عدم رعایت

۱. Clean Hands Doctrine.

۲. Black Law Dictionary.

۳. Affirmative defense.



این قاعده، معیار دقیقی ارائه نشده است ولی با بررسی یافته‌های موجود، می‌توان به مصادیقی از نقض این نظریه اشاره نمود.

«۱. تلاش برای گمراه کردن دادگاه از طریق جعل اسناد و مدارک ساختگی.

۲. ادعاهایی که بر اساس قرارداد فاسد مطرح می‌شود.

۳. پنهان کردن دارایی که به نتیجه (دعوی مطروحه) مربوط می‌شود.

۴. تلاش غیر قانونی برای به دست آوردن اطلاعات محرمانه.

۵. باج خواهی و ...» (Ellis, 2018, p. 5).

پذیرش نظریه دست‌های پاک در رویه قضایی منعکس شده است. در پرونده سکوه‌های نفتی، ایالات متحده آمریکا با استناد به نظریه پاکدستی و با این استدلال که رفتار ایران نسبت به موضوع اختلاف، یعنی حمله ایران به کشتی‌های آمریکایی مستقر در خلیج فارس، نادرست بوده، از دیوان، تقاضای رد دعوی ایران را نمود. با این توضیح که اقدامات مورد شکایت، ناشی از رفتار نادرست خواهان بوده که در واقع نقض تعهدات موضوع دادخواست، می‌باشد بنابراین ایران حق دادخواهی ندارد. هر چند این استدلال‌های آمریکا مبنی بر پاکدستی خواهان، مورد پذیرش دیوان قرار نگرفت ولی می‌توان به عنوان یک نمونه از مصادیق پاکدستی خواهان از آن نام برد. (سیفی ۱۳۸۳، ص ۶۳). در واقع این نظریه طرفین داوری را مکلف می‌کند که برای دستیابی به عدالت باید از عمل غیراخلاقی و غیرقانونی پرهیز کنند. بار اثبات این امر با طرف مقابل است. باید ثابت نماید که خواهان با حسن نیت عمل نکرده است. این موضوع نشان می‌دهد پاکدستی، معیاری برای اثبات تعهد به حسن نیت می‌باشد و کسی که خلاف اصل را ادعا می‌نماید باید دلیل بیاورد.

در برخی موارد ممکن است خواهان، اسناد محرمانه طرف مقابل را با حيله و تقلب به دست آورده و افشا نماید سپس اسناد محرمانه به دست آمده را مستند دعوا علیه وی قرار دهد یا آن‌که به صورت متقلبانه اقدامی کند که منجر به نقض تعهدات قراردادی شود. احتمال دارد یکی از طرفین داوری با سوءنیت و با انجام عملی

غیراخلاقی ساختار قرارداد را تغییر دهد و طرح دعوا نماید، همه این موارد عدم پاکدستی و نقض حسن نیت خواهان را ثابت می‌کند و طرف مقابل حق دارد با استناد به نقض حسن نیت، رد خواسته‌ی او را از داور تقاضا کند.

با این که عبارت پاکدستی در متن قوانین داوری از جمله داوری ایران و انگلیس وارد نشده است ولی حقوقدانان به عنوان یک سلاح دفاعی در دعوا از آن استفاده می‌کنند و معتقدند که «شخصی که دادخواهی می‌کند باید با دستان پاک بیاید». Cheng, (1987, p.156). شاید بتوان در ایران، قاعده فقهی اقدام را منطبق بر نظریه‌ی پاکدستی دانست. در واقع عدم پذیرش دعوای طرفی که حقی را با حيله کسب نموده با استناد به قاعده اقدام، قابل توجیه است.

در انگلیس پاکدستی به عنوان یک قاعده قانونی شناسایی نشده بلکه از باب نظم عمومی به وسیله دادگاه اعمال می‌شود و خواهان در اغلب موارد به محرومیت از دریافت خسارت ناشی از عدم پاکدستی و پرداخت خسارتی که از طریق اظهار خلاف واقع، رفتار غیرقانونی و ناعادلانه‌ی وی به طرف مقابل وارد شده محکوم می‌شود. ممکن است رفتاری جهت جلب اعتماد صورت گیرد و منجر به تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی گردد که این موضوع هم مشمول موارد جبران خسارت است. (Ellise, 2018, p. 2-4). با توجه به اهمیت انصاف در رویه قضایی این کشور و هماهنگی نظریه پاکدستی با انصاف به نظر می‌رسد برای دستیابی به داوری عادلانه می‌توان این نظریه را به عنوان یک تعهد، برای طرفین داوری اعمال نمود. در حقوق این کشور هرگونه سوء رفتار و بی‌اخلاقی منجر به محرومیت‌های ناشی از نظریه پاکدستی نمی‌شود بلکه این سوء رفتار باید جدی و مرتبط با نتیجه دادخواهی باشد و ارزیابی آن با قاضی یا داور است.

در ایران نیز معیار مشخصی برای سنجش نقض حسن نیت و عدم پاکدستی وجود ندارد و با توجه به این که کشف واقعیات پرونده و حقیقت یابی بر عهده داور است، تشخیص غیرقانونی و غیر اخلاقی بودن رفتار طرفین داوری نیز با داور است؛ زیرا کسی که خواهان اجرای عدالت می‌باشد و برای خود حقی قائل است باید به منشاء



این حق نیز توجه کند. خواسته‌ای که ناشی از تقلب و تقصیر عمدی باشد برای طرفین داوری ایجاد حق نمی‌کند. تعهد به پاکدستی به عنوان جلوه‌ای از حسن‌نیت موجب کارآمدی و توسعه داوری می‌شود. ضمانت اجرای نقض نظریه پاکدستی بر حسب مورد می‌تواند محرومیت از طرح دعوی، رد دعوی خواهان، محرومیت از دریافت خسارات مورد ادعا باشد. به نظر می‌رسد در ایران نیز التزام به پاکدستی طرفین داوری به عنوان یک هنجار اخلاقی با تکیه بر اصل بنیادین حسن‌نیت می‌تواند از طرح دعاوی مبتنی بر حيله و تقلب و ابطال آراء داوری جلوگیری نماید.

۲-۳. تعهد طرفین به همکاری و مشارکت در داوری

بر اساس دیدگاه‌های حقوق‌دانان یک موافقت‌نامه داوری معتبر دارای آثار «مثبت و منفی» (لیو و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۷). یا «ایجابی و سلبی» (مافی، ۱۳۹۷، ص ۹۷). است. سه اثر مثبت، مستقیم و ایجابی که دارای اوصاف مشترک هستند، طرفین را متعهد می‌نماید تا برای انجام فرایند داوری موفق و مؤثر، همکاری همراه با حسن‌نیت داشته باشند. اصل ۱۱ اصول آیین دادرسی فراملی نیز طرفین و وکلای آنان را به رعایت صداقت و مشارکت در انجام وظیفه حل و فصل منصفانه، مؤثر و با سرعت معقول توصیه می‌نماید.

یکی از معیارهای اساسی که طرفین را ملزم می‌کند به فرایند داوری احترام گذاشته و برای تناسب این اثر با منافع مشترک خود اقدام به همکاری نمایند، اصل تسلط طرفین در داوری است. در واقع اصل حاکمیت اراده و تسلط طرفین بر دعوا، به عنوان یک اصل پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی می‌باشد که طرفین ملزم به رعایت رفتار متعارف و معقول می‌باشند.

این اصل به رغم این‌که یک امتیاز و حق محسوب می‌شود، در عمل یک مسؤلیت نیز به شمار می‌آید و حجم زیاد آزادی عمل در داوری بدون محدودیت و مطلق نمی‌باشد. (Kazutake, 2005, p. 21). بدین ترتیب مطابق این آزادی اراده از یک طرف استقلال و ابتکار عمل را به طرفین داوری واگذار نموده و از سوی دیگر حسن‌نیت آیینی با ایجاد برخی تکالیف و محدودیت‌ها در جریان داوری، مانع کاهش قدرت قانون و غلبه حقوق نرم بر حقوق سخت می‌گردد.

اگر چه تسلط طرفین بر داوری یک عنصر مهم در داوری است ولی با محدودیت‌هایی از قبیل قوانین آمره و نظم عمومی روبرو است. (Moses, 2008, p 71). اصل تسلط طرفین بر فرایند داوری، طرفین را مکلف می‌نماید تا در جهت هدایت داوری با یکدیگر همکاری داشته باشند. (Rampall and Eeehiy, 2018, p 379. Malacka, 2017, p 105. Fagbemi, 2015, p 136).

امروزه اصل همکاری و مشارکت طرفین در دادرسی در جریان داوری به عنوان یک راهکار موقتی امکان دستیابی به کشف حقیقت و حل و فصل اختلاف را تسهیل می‌نماید. طرفین داوری با تکیه به این الزامات، همه اموری که برای رفتار مناسب و پیشبرد فرایند داوری با حسن‌نیت و سریع لازم است، پیش‌بینی می‌نمایند.

برخی از حقوق‌دانان در مورد میزان کارآمدی داوری را منوط به میزان همکاری طرفین نموده‌اند و معتقدند: «پتانسیل داوری، به عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر و سریع برای حل و فصل اختلاف و توانایی اجرای رأی داور، قابل تأمل است. با این حال کارایی داوری به همکاری طرفین و وکلای آنان بستگی دارد.» (Ambrose and other, 2018, p.72).

نحوه مشارکت و رفتار طرفین از چند جنبه، قابل بحث است. برخی از این رفتارها، غیرمنطقی و نامعقول هستند که منجر به ورود ضرر به طرف مقابل می‌شود و دسته‌ای از رفتارها معقول و مبتنی بر حسن‌نیت می‌باشند. برای مثال: ممکن است در نتیجه رفتار مبتنی بر سوءنیت یک طرف، هزینه‌هایی به طرف مقابل تحمیل شود یا از مزایا و منافع محتمل، محروم گردد. یا این‌که یکی از طرفین داوری گامی منطقی در



جهت حفظ ادله و تسریع در روند داوری بردارد که بدیهی است رفتار معقول وی ناشی از حسن‌نیت و حسن تدبیر بوده است، حتی اگر طرف مقابل از این مشارکت متعارف، متضرر شود. برخی از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند: برای دستیابی به عدالت در دادرسی، طرفین و وکلای آن‌ها باید در روابط بین خود و دادگاه، حسن‌نیت را رعایت نمایند. (غمامی، محسنی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵)

ضرورت همکاری طرفین در قوانین انگلیس تصریح شده و مبنای قواعد دادرسی مدنی ۱۹۹۸ انگلیس علاوه بر سرعت و ارزانی، همکاری طرفین را به نحو فزاینده‌ای مورد گسترش داده‌است. ماده ۳، طرفین را ملزم به همکاری با دادگاه در پیشبرد اهداف غیر قابل اغماض می‌نماید. در بخش ۴۰ قانون داوری انگلیس، وظیفه عمومی طرفین به این نحو مقرر شده‌است که کلیه کارهایی که برای تسریع در امور و مراحل داوری لازم است انجام دهند؛ از جمله این اقدامات، ارائه مدارک و هر دستور یا دستورالعملی است که از طرف دیوان یا داور، تعیین می‌شود یا در مورد تعیین صلاحیت داور ضروری است، بدون تأخیر و به تعویق انداختن، انجام دهند.

در قوانین داوری ایران به اصل همکاری طرفین اشاره نشده و شاید در نگاه نخست اصل همکاری طرفین در روند رسیدگی یا در جریان داوری در قانون آیین دادرسی مدنی ایران دور از ذهن به نظر بیاید ولی تردیدی نیست که روح کلی حاکم بر مبحث داوری قانون مذکور از جمله مواد ۴۵۴ و ۴۶۲ با لحاظ مبتنی بودن آن بر «ترازی طرفین»، طرفین را به همکاری و مشارکت در دادرسی تشویق می‌نماید. در قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز مواد ۱۱، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ در خصوص تعیین داور، تعیین قواعد رسیدگی و تعیین محل و زبان داوری توسط طرفین، نشان دهنده ضرورت همکاری آنان در فرآیند داوری است و دادرسی عادلانه اقتضا می‌نماید که این مشارکت همواره از روی حسن‌نیت، صداقت و وفاداری صورت گیرد.

«در نظریه همکاری، طرفین اختلاف، از روی حسن‌نیت و صداقت، با قاضی همکاری و همراهی می‌کنند تا اختلاف به سرعت در مدت متعارف فیصله یابد».

(رستمی چلکاسری، ۱۳۹۵، ص ۲). علاوه بر مشارکتی که طرفین داوری بر اساس اصل تسلط طرفین، بر فرایند داوری حاکم است، طرفین ملزم هستند، اسناد و مدارک مربوط را جهت کشف حقیقت و حل و فصل اختلاف ارائه دهند و در صورت استناد به سند یا مدرک، از کتمان آن پرهیز نمایند. طرفین داوری به رغم این‌که در شرایط بروز اختلاف، در محیط خصمانه‌ای قرار می‌گیرند، تعهد به همکاری با حسن‌نیت باعث خواهد شد که از اقدام به اعمالی که موجب تأخیر در فرایند رسیدگی داوری یا حيله و تقلب می‌شود، اجتناب نمایند.

۳-۲-۱. تعهد به ارائه اسناد و مدارک

یکی از وظایفی که طرفین باید در پرتو حسن‌نیت آیینی انجام دهند، ارائه اسناد و مدارکی است که مستند دعوا قرار می‌گیرد. در داوری و به طور ویژه در داوری‌های بین‌المللی، اظهارات کتبی و ابراز اسناد، دامنه گسترده‌تری دارد که با دستور داور یا داوران صورت می‌گیرد و طرفین موظف به ارائه آن‌ها هستند. این وظیفه به عنوان یک رویه‌ی همگرا و مقبول در چارچوب سازوکارهایی در قانون مقرر گردیده‌است. این که آیا همه اسناد قابل پذیرش هستند و محدوده افشای^۱ ادله به چه میزان است؟ یا اگر طرفین قادر به ارائه مدارک خود نباشند، تکلیف چیست؟ در این نگارش محل بحث نیست و در نوشتاری دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

در دادرسی‌های دادگاه، آیین کشف دلیل^۲ در حقوق کامن‌لو و حقوق نوشته با هم متفاوت است. به عنوان مثال در قواعد دادرسی مدنی انگلیس مدیریت بیشتر دادگاه مورد توجه قرار گرفته است.^۳ در حالی که در حقوق نوشته اختیار طرفین در مدیریت

۱ . Disclosure

۲ . Discovery

۳. در ماده ۸(۵) قواعد دادرسی انگلیس، مقرر می‌دارد در زمان تشکیل پرونده، متقاضی باید مدارک کتبی را که قصد دارد جهت تأمین پرونده به آن تکیه شود، ارائه کند و آن را مصدق و یک نسخه به طرف دیگر تحویل دهد. همچنین ارائه و افشای اطلاعات اسناد، حق ایراد و جرح نسبت به سند طرف مقابل در ماده ۳۱(۲)، پیش‌بینی



پرونده بیشتر است. (لیو و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۵۹). ولی در مورد داوری این فاصله تا حد زیادی کم‌رنگ شده و تحت تأثیر اصل تسلط و خودمختاری طرفین و انعطاف‌پذیری داوری، رویه همگرایی پدید آمده است.

وقتی اصحاب دعوا به موقعیت خود اطمینان دارند، تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا از تأخیرهای ناموجه و نامعقول پرهیز نمایند؛ بنابراین تمام واقعیات و اسناد استنادی خود را در اولین فرصتی که به او داده شده، به نمایش می‌گذارند. در رسیدگی‌های معمول اتاق بازرگانی اسناد را قبل از تنظیم داوری نامه، ضمیمه لایحه ابرازی می‌کنند. در قواعد LCIA نیز ماده ۱۵(۶)، ضرورت پیوست مدارک به لایحه دفاعیه و لایحه جوابیه ظرف مهلت تعیین شده را مد نظر قرار داده است. مطابق با دستور زمان بندی که داور معین می‌کند، هر طرف باید اسنادی را که به نفع خود مورد استناد قرار داده به داور و طرف مقابل ارائه نماید. ماده ۴۷۶ و ۹۶ ق.آ.د.م، ضرورت تسلیم اسناد به داور را پیش‌بینی نموده است.

در بافت و سیاق مواد مرتبط با ارائه‌ی مدارک در داوری انگلیس و ایران، تفاوت عمده‌ای وجود ندارد. با این حال، در قسمت اخیر ماده ۲۲ ق.د.ت.ب ایران در بند دوم به طرفین اختیار اصلاح و تکمیل دادخواست و دفاعیه‌ی خود را در طول رسیدگی

شده است. نکته حائز اهمیتی که در قواعد دادرسی انگلیس به چشم می‌خورد، این است که افشای اسناد باید وفق ماده ۳۱(۶۰۵)، استاندارد سازی شود و بازرسی اسناد فاش شده، توسط طرف مقابل باید به صورت معقول صورت گیرد. در بند ۸، فقط ارائه‌ی اسنادی را لازم می‌داند که تحت کنترل و تصرف طرف می‌باشد. در بند دهم و یازدهم همین ماده، مجدداً بر بکارگیری تلاش طرفین تا پایان دادرسی بر انجام این وظیفه و این‌که دلایل ارائه شده باید مرتبط با موضوع داوری باشد، تأکید می‌نماید.

۱. ماده ۴۷۶ ق.آ.د.م: «طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می‌توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند...».

۲. ماده ۹۶ ق.آ.د.م: «خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آن‌ها را ضمیمه دادخواست کرده است در جلسه دادرسی حاضر نماید. خوانده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آن‌ها استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر نماید...».

داده‌است تا جایی که موجب تأخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر نباشد. به نظر می‌رسد در این ماده بیشتر به جنبه‌ی خصوصی بودن و حاکمیت اراده طرفین در داوری توجه شده‌است. با این وجود، داور باید توجه لازم را داشته باشد تا موجب نقض حسن‌نیت و سایر اصول حاکم بر دادرسی نگردد. همچنین اگر چه افشای ادله از وظایف طرفین داوری محسوب می‌شود ولی چنان چه دلیلی تحت پوشش محرمانگی قرار داشته باشد، داور یا دادگاه حق افشای اطلاعات وی را ندارد؛ مگر اینکه منافع جامعه اقتضا نماید و هرگونه سوءنیتی در افشای ادله و مدارک طرف مقابل ناموجه می‌باشد.

بر همین اساس، ماده ۲۴ ق.د.ت.ب. قصور هر یک از طرفین در ارائه لوایح را واجد ضمانت اجرا می‌داند. این ماده، مشتمل بر سه نوع قصور است (قصور خواهان در تقدیم درخواست داوری، قصور خوانده در تقدیم لایحه دفاعیه بدون عذر موجه و قصور هر یک از طرفین در ارائه مدارک و ادله) که به داور اجازه داده تا بر اساس مدارک موجود، رسیدگی را ادامه دهد و قصور خوانده را به منزله قبول ادعای خواهان، تلقی و به صدور رأی مبادرت نماید. داور هنگام مواجه شدن با این موارد، باید مواد ۲۳ و ۳۱ را مورد توجه قرار دهد. عدم رعایت این ماده اصل تساوی سلاح طرفین را به عنوان عاملی جهت برابری آیینی، نقض می‌نماید.

«حسن‌نیت ایجاب می‌کند که طرفین در ارائه مدارک همکاری کنند». (Menalco, 2018, p.1). به عبارت بهتر «یکی از تکالیف شکلی و در برخی موارد ماهوی طرفین، ارائه ادله در مهلت‌های قانونی است و عدم رعایت این نکته را باید نوعی قماربازی دانست». (متین دفتری، ۱۳۹۱، ص ۳۸۲). هر چند این مطلب در مورد دادرسی در دادگاه بیشتر صادق است و در مورد رسیدگی داوری به دلیل انعطاف‌پذیری، طرفین هر زمان در جریان داوری به ادله‌ای مرتبط دست پیدا کردند از جانب داور قابل پذیرش است ولی این موضوع تعهد به ارائه دلیل را منتفی نمی‌نماید. از آنجایی که داور نیز مانند قاضی برای صدور رأی عادلانه نیازمند تحقیق و بررسی ادله و کشف حقیقت است، همکاری طرفین داوری در پرتو حسن‌نیت آیینی باعث می‌شود طرفین



داوری داوطلبانه در ارائه اسناد و ادله همکاری نموده و داور با مسائل مربوط به کشف حقیقت روبرو نمی‌شود و موجب تسریع در فرایند رسیدگی خواهد شد.

۲-۲-۳. پرهیز از کتمان ادله (اصل شفافیت)

کتمان ادله به دو صورت قابل تصور است. ممکن است طرفین برای شروع داوری به اسناد و مدارکی استناد نموده‌اند ولی در جلسه رسیدگی از ابراز آن خودداری کنند و یا در برخی موارد دلیل مورد استناد نزد طرف مقابل می‌باشد ولی به رغم تقاضا، از ابراز آن امتناع می‌ورزد. در این گونه موارد، حسن‌نیت آیینی اقتضا دارد طرفین جهت هدایت سریع دادرسی با داور یا نهاد داوری همکاری کند.

دسترسی به عدالت و حاکمیت قانون و اثربخشی فرآیند داوری به طور فزاینده‌ای به همکاری طرفین داوری در ارائه اسناد، وابسته است. بر همین اساس هیچ‌یک از طرفین حق ندارند، با کتمان اسناد و اطلاعات، خللی در روند رسیدگی به وجود آورند. داوری در ضمن محرمانگی، نیازمند شفافیتی قاطعانه است. این الزام می‌تواند انتظارات معقول و مشروع طرفین را در جهت ایجاد تعادل بین منافع آن‌ها برآورده سازد. حسن‌نیت آیینی طرفین را به نشان دادن اطلاعات مرتبط که در اختیار دارند، موظف نموده‌است و در صورت استناد و امتناع از نمایش اسناد، براساس یک استدلال ویژه، داور این اختیار را دارد که از امتناع وی، طرح استنتاج مغایر (استنباط منفی)^۱ نماید. داور می‌تواند با استناد به اصل حسن‌نیت، ضمانت اجرای استنباط منفی را اعمال نماید و این ضمانت اجرا در سطح جهانی پذیرفته شده است. (Menalco, 2018, p. 1).

بخش ۴۱ قانون داوری انگلیس در قسمت هفتم بند (ب) طرح استنباط منفی را از اختیارات دیوان داوری در صورت عدم ارائه اطلاعات تحت کنترل طرف، پیش‌بینی

۱. Drawing Adverse Inference

نموده است. طبق مواد ۲۰۷ الی ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، کتمان ادله ممنوع است و دادگاه می‌تواند این عمل را از جمله قرائن مثبتة تلقی نماید ولی در مورد امتناع طرف داوری از ادله‌ی استنادی تصریح نشده و در قانون داوری تجاری بین‌المللی بند ۳ ماده ۲۴ به داور اختیار داده بر اساس مدارک موجود، رأی صادر نماید. به نظر می‌رسد قانونگذار در مبحث داوری با توجه به ویژگی‌های خصوصی و توافقی بودن داوری، تشریفات آیین دادرسی را جاری ندانسته است. در حالی که کتمان دلیل ممکن است با حيله‌گری به منظور از بین بردن و عدم دسترسی به دلیل یا با انگیزه تأخیر در روند داوری صورت گیرد. شایسته است قانونگذار در این موارد اختیار طرح استنباط منفی را به عنوان ضمانت‌اجرای نقض حسن‌نیت آیینی برای داور در نظر بگیرد. زیرا داوری مؤثر، بر اساس حسن‌نیت و عدالت آیینی، از هرگونه رفتار قابل تردید و مخفی‌کاری به‌دور است.

از آنجای که افشای ادله برای کشف حقیقت و حل و فصل اختلاف ضرورت دارد، کتمان آن، مانع از کشف حقیقت و دادرسی عادلانه می‌شود. مستنبط از مواد پیش‌گفته، ضمانت اجرای طفره رفتن و کتمان ادله، در دادرسی مدنی و روح حاکم بر قوانین داوری ایران تحت عنوان قرینه‌ی مثبتة (شمس، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). و در قوانین انگلستان با اختیار استنباط منفی یا استنتاج مغایر مواجه خواهد شد. (Sharpe, 2006, p. 44-45. Sevan Bedrosyan, 2016, p. 552-558. Greenberg and Lautenclager, 2011, p. 44-45. Sevan (250).

در حقوق بین‌الملل اگر مدرک مرتبطی نزد طرف مقابل باشد از دیوان درخواست می‌کند که آن را استعلام کند. چنانچه اصحاب دعوا از ارائه مدارک امتناع کنند، دیوان استتکاف وی را مورد توجه قرار می‌دهد زیرا طرفین داوری می‌توانند با استفاده از سازوکارهای کشف دلیل، مدارکی که نزد طرف مقابل است را درخواست نمایند. «در دعوی کانال کورفو، انگلستان از ارائه اسناد و مدارک استتکاف ورزید؛ زیرا مدعی شد که آن‌ها محرمانه‌اند. بنابراین دیوان، آن اسناد و مدارک را غیرمربوط شمرد؛ اما یادداشت رسمی خودداری آن دولت را صادر نکرد». (منصوریان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹-۱۶)



۱۵۰). به دلیل این‌که طبق قوانین انگلیس اسناد محرمانه مستثنی هستند مگر این‌که منافع عمومی اقتضا نماید، بنابراین دیوان، محرمانه بودن مدرک را دلیل غیرمرتبط بودن محسوب نمود.

۳-۳. پرهیز از رفتار متناقض

داور نیز مانند قاضی دادگاه، هنگام ارزیابی اظهارات و دلایل اصحاب دعوا باید به رفتار آن‌ها نیز توجه نماید. باید در حدود اصول دادرسی حاکم بر داوری برای کشف حقیقت از طرق قانونی و متعارف، اسناد و دلایل ابرازی اصحاب دعوا را بررسی نماید. عدم تعارض در رفتار و صداقت در گفتار اصحاب دعوا از جمله مسائلی است که داور و قاضی باید مورد توجه قرار دهند. (خدابخشی، ۱۳۹۵، ص ۶۶۱). منع رفتار متناقض در قالب قاعده‌ای مشهور «استاپل»^۱ متبلور شده است. اکثریت حقوق‌دانان معتقدند که قاعده استاپل از اصل حسن‌نیت منتج می‌شود. (گیار، ۱۳۶۵، ص ۲۵۱، شهبازی نیا و افتخارچهرمی، ۱۳۸۳، ص ۶۳؛ آدابی و مشایخی، ۱۳۹۸، ص ۸۲). برآیند اصل حسن‌نیت و قاعده استاپل، دادرسی عادلانه می‌باشد. «استاپل، دادرسان را یاری می‌دهد تا بر نیرنگ و ریاکاری در دادرسی فائق آیند و دادرسی را به‌سوی انصاف و عدالت سوق دهند. نظریه استاپل تناقض یا حيله‌ای را که منجر به بی‌عدالتی شود، ممنوع می‌سازد.» (شهبازی‌نیا، افتخارچهرمی، ۱۳۸۳، ص ۷). رفتار نامناسب یک طرف قرارداد ممکن است به صورت عمدی یا به نحو غیر

۱. Estoppel:

استاپل از نظر لغوی به معنای «مانع» است و بسیاری از مسائل موضوعی را در بر می‌گیرد. شاید دلیل این‌که هنوز تعریف کاملی از آن ارائه نشده، همین گستردگی دامنه‌ی آن باشد. «استاپل هنگامی مطرح می‌شود که شخصی به موجب قانون از سخن گفتن بر خلاف سند یا فعل خودش ممنوع شود.» (شهبازی‌نیا و افتخارچهرمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰). (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به؛ شهبازی‌نیا و افتخارچهرمی، ۱۳۸۲، ص ۷-۱۰؛ خدابخشی، ۱۳۹۵، ص ۶۸۰-۶۶۴).

عمدی صورت گیرد که در هردو مورد، منجر به پیمان شکنی و نقض مفاد قرارداد می‌شود. هیچ نظام حقوقی اعمالی از قبیل نقض حسن‌نیت، تقلب، تدلیس یا کوتاهی طرف‌های قرارداد را بر نمی‌تابد، خواه این اعمال در مرحله مذاکره و تفکر، خواه در مرحله انعقاد و یا اجرای قرارداد باشد، ممکن است باعث ورود خسارت به طرف مقابل گردد. (آدابی و مشایخی، ۱۳۹۸، ص ۷۲). از آن‌جا که در دادرسی عادلانه هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند بنابراین نیازمند ضمانت اجرای مؤثر هستیم. شخصی که برخلاف قاعده رفتار نماید از طرح دعوا بر اساس رفتار متناقض خود، ممنوع است.

در حقوق انگلستان این قاعده گاهی ناشی از کام‌لو و گاهی ناشی از رفتار متناقض مبنی بر انصاف است و در هر کدام ضمانت اجرایی متفاوت اعمال می‌شود. در کام‌لو ضمانت اجرای پرداخت خسارت به زیان دیده و در دادگاه‌های انصاف، اجرای عین تعهد، ضمانت اجرای مناسب‌تر شناخته شده است. (آدابی و مشایخی، ۱۳۹۸، ص ۷۸). مورد نظر این نوشتار نوع دوم است که به عنوان یک تعهد مبتنی بر حسن‌نیت برای طرفین داوری ضرورت دارد و این تعهد باعث جلوگیری از ورود ضرر ناشی از رفتار متناقض یک طرف به طرف دیگر می‌شود. با این‌که برخی معتقدند؛ استاپل مخصوص نظام حقوقی انگلوامریکن است و نمی‌توان آن را دارای جنبه جهانی دانست. (گایار، ۱۳۶۵، ص ۲۵۱). ولی در حال حاضر با گسترش مراودات تجاری، استناد به استاپل در آراء متعدد داوری، حاکی از پذیرش استاپل به عنوان یک قاعده حقوقی در بیشتر کشورها است.

درواقع استاپل از حقوق قراردادهای وارد داوری شده است. و به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. ممکن است یکی از طرفین، به رغم این که به حقی نسبت به خود در قرارداد استناد نموده، به دلیل طفره رفتن از داوری، خود را از مسؤولیت قراردادی بری کند. یا ممکن است حالت عکس داشته باشد، نسبت به حقوق و تعهدات قراردادی اعراض نموده باشد ولی از طرفی به دنبال حقوق و منافع ناشی از قرارداد، دعوا را به داوری ارجاع دهد. فرض دیگر این‌که ممکن است شخصی با انتقال موافقت‌نامه‌ی



داوری یا قرارداد اصلی، موافقت کند. بر طبق استاپل وی نمی‌تواند به دلیل این که از طرفین توافق داوری نبوده از شرکت در داوری امتناع نماید. (ایزانلو، شید، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۳۸). در حالت اخیر، استاپل باعث توسعه‌ی قلمرو شخصی داوری می‌شود. در چنین مواردی خواننده با استناد به حسن‌نیت می‌تواند از داور رد خواسته‌ی طرف مقابل را درخواست کند. علل متفاوتی برای خروج دلیل از عداد دلایل وجود دارد که یکی از آن‌ها وجود رفتار متناقض می‌باشد. هیچ‌یک از طرفین، حق ندارد با رفتار متناقض، متنفع یا حتی از ایراد ضرر به خودش جلوگیری کند.

اگرچه استاپل به عنوان یک قاعده فراگیر در قوانین ایران ذکر نشده ولی بخشهایی از مفهوم آن را می‌توان در قواعد دیگر یافت و آثار آن را در رویه‌ی قضایی مشاهده نمود. قاعده فقهی لاضرر، قاعده حقوقی انکار پس از اقرار و اعتبار امر قضاوت‌شده دلایلی بر پذیرش ضمنی استاپل هستند. به‌نظر می‌رسد با توجه به انعکاس آن در رویه قضایی می‌توان پرهیز از رفتار متناقض را به عنوان یک تعهد در پرتو حسن‌نیت آیینی اعمال کرد.

۴. نتیجه‌گیری

از این نوشتار، این برآیند پذیرفتنی است که سرعت رسیدگی و حفظ محرمانگی از ویژگی‌های بارز داوری است. از آن جا که برای تجار، تداوم رابطه تجاری دارای اهمیت می‌باشد، ترجیح می‌دهند اختلافات خود را از طریق داوری حل و فصل نمایند. با وجود این، داوری در بسیاری از موارد، خود از موجبات اطلاع‌ی دادرسی گردیده است. قوانین مربوط به داوری، به‌تنهایی نواقص موجود را برطرف نمی‌کنند. برای اثربخشی و تقویت نهاد داوری، نیازمند ابزارهای حقوقی دیگری هستیم. بر همین

۱. «دادنامه‌ی شماره‌ی ۸/۸/۶-۸۹۰۹۹۷۵۱۱۳۰۰۰۹۵۰ موضوع پرونده‌ی شماره‌ی ۸۹۰۷۷۸ از شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی مشهد، عمل کردن بر اساس وضع موجود را سبب پایبندی به آن در زمان اختلاف قلمداد نموده‌است». (خدابخشی، ۱۳۹۵، ص ۶۹۱).

اساس تقسیم بندی نسبتاً جدیدی از حسن نیت ارائه گردید. از آن جا که اصل کلی حسن نیت، به جز در قواعد LCIA، در سایر قوانین داوری انگلیس و ایران تصریح نشده و معیاری برای سنجش رفتار طرفین در مقام تعهد به حسن نیت در داوری ارائه نگردیده است، با مراجعه به اصول حاکم بر دادرسی عادلانه، مواردی را در قالب استانداردهای رفتاری از قبیل «پاکدستی، همکاری و مشارکت در پرونده، ارائه به موقع اسناد و مدارک، پرهیز از اخفای ادله و رفتار متناقض» تحت عنوان حسن نیت آیینی در مقابل حسن نیت ماهوی معرفی نمودیم که پایبندی به آن باعث سرعت در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی می شود.

بررسی قوانین داوری انگلیس و ایران نشان می دهد قانون داوری انگلیس نسبت به ایران پیشرو بوده و از انسجام بیشتری برخوردار است. به رغم این که طرفین داوری بعد از بروز اختلاف، در محیط خصمانه ای قرار می گیرند، حسن نیت آیینی باعث کارآمدی داوری گردیده و طرفین را از انجام رفتاری که موجب تأخیر در فرایند رسیدگی داوری یا حيله و تقلب می شود، باز می دارد.

در حال حاضر به دلیل عدم کفایت مقررات داوری در ایران، بسیاری از آراء داوری ابطال می گردد. این امر باعث تراکم پرونده ها در محاکم دادگستری می شود. برای دستیابی به نهاد داوری مترقی و کارآمد، داور و طرفین داوری باید با حسن نیت وارد فرایند داوری شوند و حسن نیت، در طول جریان داوری استمرار داشته باشد. رعایت اصول عادلانه دادرسی، مثبت پایبندی طرفین به حسن نیت آیینی است و چالش موجود را به نحو فزاینده ای مرتفع می کند.

در کشور انگلستان، در دهه های اخیر حسن نیت وارد ادبیات داوری شده و در رویه قضایی اعمال می شود که همسو با توسعه تحولات تجاری می باشد ولی در ایران به دلیل این که بخشی از قواعد داوری در قانون آیین دادرسی مدنی و بخشی در قانون داوری تجاری بین المللی مقرر شده است، نوعی دوگانگی به وجود آمده که نه تنها پاسخگوی نیاز طرفین داوری نمی باشد، بلکه باعث عدم توازن و هماهنگی با وضع موجود و تضعیف جایگاه داوری در ایران گردیده است. بررسی قوانین انگلیس



می‌تواند ما را در تدوین قانون واحد و همسو با توسعه روابط تجاری یاری کند. تلاش برای دستیابی به نقاط مشترک بین نظام‌های حقوقی با توسل به اصول حاکم بر داوری، می‌تواند اقدامی مؤثر برای سهولت و گسترش روابط داخلی و بین‌المللی اشخاص و همسویی در اعمال مقررات داوری باشد. معیارها و استانداردهای معقول ارائه شده، تعهداتی را در راستای اثربخشی داوری برای طرفین به وجود می‌آورد که تضمین‌کننده‌ی داوری عادلانه است و ضمانت اجراهای نقض این تعهدات باعث ارتقای داوری می‌شود.

۵. منابع

۱-۵. فارسی

۱. آدابی، حمیدرضا، مشایخی، ستار، «گستره و ویژگی های قاعده استاپل در حقوق عمومی داخلی»، *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، دوره ۴، ۱۳۹۸.
۲. انصاری معین، پرویز، قواعد بازنگری شده داوری آنسیترا (۲۵ ژوئن ۲۰۱۰) و رسیدگی های موازی در داوری، چ ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
۳. ایزانلو، محسن، شید، بابک، «تسری موافقت‌نامه‌ی داوری به اشخاص ثالث بر مبنای نظریه استاپل»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۱، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۶.
۴. خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.
۵. دی ام لیو، جولیان، میستلیس، لوکاس ای و کرول استفان ام، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، حبیبی مجنده، محمد، چ ۱، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
۶. رستمی چلکاسری، عبدالله، «نظریه همکاری طرفین دعوا و دادرسی در حل و فصل اختلاف»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۷، ۱۳۹۵.

۷. سیفی، سیدجمال، جوادی، کمال، «پاکدستی خواهان در داوری‌های سرمایه‌گذاری» در سالنامه ایرانی داوری، چ ۱، محبی، محسن، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
۸. سیفی، سیدجمال، «رأی دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه سکوه‌های نفتی: دیپلماسی قضایی در دادرسی بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۴، ۱۳۸۳.
۹. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج سوم، چ ۱۸، دراک، ۱۳۸۹.
۱۰. شهبازی نیا، مرتضی، افتخار جهرمی، گودرز، «بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا»، مجله حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۳۰، ۱۳۸۳.
۱۱. غمامی، مجید، محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، چ ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
۱۲. گایار، امانوئل، «استاپل یا منع تناقض گویی به زیان دیگری»، صبح خیز، ناصر، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، شماره ۶، ۱۳۶۵.
۱۳. مافی، همایون، شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، چ ۲، تهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷.
۱۴. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چ ۴، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.
۱۵. منصوریان، ناصر علی، «آیین کشف دلیل در عملکرد دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده»، در مجموعه مقالات جشن نامه دهمین سالگرد تأسیس مرکز داوری اتاق ایران، محبی، محسن و کاکاوند، محمد چ ۱، ۱۳۹۳.

۲-۵. انگلیسی

16. Arbitration Act, 1996, www.Legislation.gov.uk.



17. Ambrose, Clare, Karen, Maxwell and Michael, Collett, London Maritime Arbitration, (Fourth edition), London, Informa Law from Routledge, 2018
18. Black Law Dictionary, Dictionary.The Law.com.1988.
19. Born, Gary b, International Arbitration Law and Practice, Kluwer law international, 2012.
20. Cheng, Bing "General principles of law as applied by international court and tribunals, 1987, www.trans-Lex.org.
21. Civil Procedure Rules, 1998, www.justice.gov.uk.
22. Duarte G. Henriques," The role of good faith in arbitration: are arbitrator and arbitral institutions bound to act in good faith?" ASA Bulletin, Volume 33, No 3, 2015.
23. Ellis, Leigh " Principles of clean hands in UK Law (with examples)", 12 July 2018, <http://blogHallellis>
24. Fagbemi, Sunday A, The doctrine of party autonomy in international commercial arbitration: Myth or Realty? AFE Bablola University. Of sust. DEV. Law & Policy, 2015.
25. Greenberg, simon and Lautenchlager, Felix, "Adverse inferences in international arbitration practice", Icc International Court of Arbitration Bulletin, Vol 22, Number 2, 2011.
26. Kazutake, Okuma, "Arbitration and party autonomy" The seinan law review, 2005.
27. LCIA Arbitration Rules, 2014, www.lcia.org.
28. Malacka, Michal, Party autonomy in the procedure of appointing arbitration, Palacky University Olomouc, Czech Republic, 2017.
29. Menalco, Solis, (2018, April 23), Adverse Inferences in Defense of Good Faith, from <http://arbitrationblog.Kluwerarbitration.com>.
30. Miraco, Noslacan, "The Good faith in the public international Law and the Community Law", Union of Scientist_ Stare Zagora, international Scientific Conference, 2008.
31. Moses, Margaret L, The principle and practice of international commercial arbitration, Cambridge University Press, First published in 2008, www.combridge.org.

32. Rampall, Yeshnah D and Eehily, Ronan, The sanctity of party autonomy and the powers of arbitrators to determine the applicable law: The quest for an arbitral equilibrium, 2018.
33. Ramzy Salama, Nadia, "Nature, Extent and Role of Parties autonomy in making of international commercial arbitration agreements", A thesis University of Manchester, 2015.
34. Reilly, Brandan, "Procedural Good Faith in international Arbitration", 2018, www.Squirepattonboggs.com.
35. Sevan Bedrosyan, Alexander, "Adverse inferences in international arbitration: Toothless or terrifying?", Vol 38, 2016, <http://Scholarship.lawupenn.edu>.
36. Sharpe, Jeremy K, "Drawing Adverse Inference from the Non_Production of Evidence", Arbitration international LCIA, Volume 22, 2006.
37. Tetley, William, "Good faith in contract particularly in the contracts of arbitration and chartering", Journal of maritime Law and commerce, Vol 35, No 4, 2004.

